

آرنولد هاووزر

# فلسفه تاریخ هنر

ترجمه

محمد تقی فرامرزی

مؤسسه انتشارات نگاه

«تأسیس ۱۳۵۲»

## فهرست

- معرفی نویسنده ..... ۵
- پیشگفتار ..... ۹
- فصل اول. آغاز سخن: گستره و محدودیت‌های جامعه‌شناسی هنر ..... ۱۳
- فصل دوم. نگرش جامعه‌شناختی: مفهوم ایدئولوژی در تاریخ هنر ..... ۳۳
- فصل سوم. نگرش روان‌شناختی: روانکاوی و هنر ..... ۵۹
۱. والایش و نمادپردازی ..... ۵۹
۲. رمانتیسیسم و از دست رفتن واقعیت ..... ۷۳
۳. هنر در مقام وسیله لذت‌جانشین ..... ۸۴
۴. روان‌شناسی‌گرایی و استقلال درونی شکل‌های معنوی ..... ۹۴
۵. روانکاوی، جامعه‌شناسی، و تاریخ ..... ۱۰۱
۶. مسایل پاسخ‌دادنی و پاسخ‌ندادنی هنر توسط روانکاوی ..... ۱۰۹
۷. هنر، ذهن ناخودآگاه، بیماری، و رؤیاها ..... ۱۱۵
۸. صورت‌های ذهنی و ابهام آنها ..... ۱۳۰
۹. روانکاوی و تاریخ هنر ..... ۱۳۶
۱۰. ویرانگری و بازسازی به کمک هنر ..... ۱۴۱
- فصل چهارم. استنباطات فلسفی تاریخ هنر: «تاریخ بی‌نام هنر» ..... ۱۴۹
۱. ولفلین و تاریخ‌گرایی ..... ۱۴۹
۲. «مفاهیم بنیادی تاریخ هنر» و مقوله‌های تفکر تاریخی ..... ۱۶۸
۳. اعتبار منطقی و زیبایی‌شناختی ..... ۲۰۵



۴. ضرورت تاریخی و آزادی فردی ..... ۲۳۲  
 ۵. سبک و تغییرات آن ..... ۲۵۵  
 ۶. تفاهم و سوء تفاهم ..... ۲۸۹  
 ۷. نگرش جامعه‌شناختی ..... ۳۰۹

- فصل پنجم. لایه‌های تحصیلی در تاریخ هنر: هنر قومی و هنر مردمی ..... ۳۳۹  
 ۱. هنر مردمی، توده‌ها، و تحصیل‌کردگان ..... ۳۳۹  
 ۲. هنر قومی، هنر دهقانی، هنر ولایتی ..... ۳۴۵  
 ۳. نظریه دریافت و نظریه تولید ..... ۳۵۷  
 ۴. بدیهه‌سازی و طرح‌اندازی ..... ۳۶۵  
 ۵. مقدمات هنر قومی ..... ۳۷۲  
 ۶. درباره تاریخ شعر قومی ..... ۳۸۳  
 ۷. شکفتگی و زوال هنر قومی ..... ۳۹۶  
 ۸. مفهوم هنر مردمی: استانداردسازی و سوداگری ..... ۴۰۲  
 ۹. گریز از واقعیت ..... ۴۱۵  
 ۱۰. سرچشمه‌های هنر مردمی ..... ۴۲۳  
 ۱۱. هنر مردمی بورژوازی معاصر ..... ۴۲۸  
 ۱۲. سینما ..... ۴۳۴

- فصل ششم. نیروهای ستیزنده در تاریخ هنرها: نوآوری و میثاق‌ها ..... ۴۴۵  
 ۱. زبان هنر ..... ۴۴۵  
 ۲. ناپیوستگی اثر هنری ..... ۴۵۵  
 ۳. احساس‌ها و میثاق‌ها ..... ۴۶۳  
 ۴. میثاق‌های تئاتر ..... ۴۶۹  
 ۵. درباره زبان فیلم ..... ۴۷۸  
 ۶. جعلیات مربوط به وفاداری به طبیعت در هنرهای تجسمی ..... ۴۸۲  
 ۷. خودانگیختگی و میثاق ..... ۴۹۰

- کتابشناسی و منابع ..... ۴۹۷  
 فهرست راهنما ..... ۵۱۱

## معرفی نویسنده

آرنولد هاووزر مورخ بریتانیایی هنر و فیلم، در سال ۱۸۹۲ در شهر تیمیشوار مجارستان چشم به جهان گشود. در دانشگاه‌های بوداپست، وین، برلین و پاریس در رشته‌های تاریخ هنر و ادبیات به تحصیل پرداخت. در سال ۱۹۱۸ درجه دکترا را از دانشگاه بوداپست در زیبایی‌شناسی رمانتیک آلمانی دریافت کرد. در اینجا به مقام استادی رسید و سپس مدیر شورای اصلاحات در آموزش تاریخ هنر شد. در پاریس از شاگردان هانری برگسن بود و از او تأثیرات بسیار پذیرفت. پس از جنگ اول جهانی و به دنبال پیروزی ضدانقلاب در مجارستان، آن کشور را ترک گفت و دو سال از عمرش را در ایتالیا به تحقیق درباره تاریخ هنر عصر باستان، هنرهای زیبا و هنر ایتالیا اختصاص داد. در سال ۱۹۲۰ به برلین رفت و در آنجا این نظریه را مطرح کرد که مسایل هنر و ادبیات، اساساً مسایلی جامعه‌شناختی‌اند. سپس در آثار ماکس وبر، آدولف گولدشمیت، ورنر زومبارت و ارنست ترویلچ آلمانی و بعدها چندین جامعه‌شناس بزرگ آمریکایی به تحقیق پرداخت. در وین از ۱۹۲۴ تا ۱۹۳۸ در مسایل بنیادین هنر جدید فیلم تحقیق کرد که در نوع خود



برای محققى پرورش یافته در سنت تحقیقات دانشگاهی آلمان تا آن روزگار، علاقه‌ای استثنایی به شمار می‌رفت. همان‌جا در یک شرکت فیلم‌سازی وینی استخدام و مدیر بازاریابی و تبلیغات شد. از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۳۶ عضو هیأت مشورتی سانسور فیلم و مدرس نظریه و فناوری فیلم در کالج وین بود. اما در سال ۱۹۳۸ هاوزر که یهودی بود مجبور شد آلمان را ترک گوید و راهی انگلستان شود.

از آثار این دوره از زندگی هاوزر در انگلستان می‌توان به مقالات بسیاری اشاره کرد که وی برای نشریه‌های زندگی و ادبیات امروز (*Life and Letters today*) و صدا و سیما (*Sight and Sound*) نوشت.

\* \* \*

ده سال بعد در آنجا تابعیت بریتانیایی به وی اعطا شد. تا سال ۱۹۵۱ به تدریس تاریخ هنر در دانشگاه لیدز اشتغال داشت و در آن سال به ایالت متحد آمریکا سفر کرد و دانشگاه برن دیز به مقام استادی تاریخ هنر رسید اما همچنان به عنوان استاد مدعو تا سال ۱۹۵۷ با دانشگاه لیدز همکاری می‌کرد. در همان سال‌های اقامت در انگلستان مقدمات پژوهش درباره کتاب عظیم و دوجلدی تاریخ اجتماعی هنر (جلد اول ۱۹۵۱، *The Social History of Art*) را فراهم آورد و با دامنه موضوعی بسیار گسترده‌ای از دوران پیش از تاریخ تا نخستین دهه‌های روزگاری که خود وی از آن با عبارت «عصر فیلم» یاد می‌کند به پایان رسانید. این اثر با اقبالی همواره احترام‌آمیز از سوی محققان هنر مواجه شد و به چندین زبان جهان ترجمه شد. در سال ۱۹۵۸، پس از انتشار جلد دوم کتاب تاریخ اجتماعی هنر، کتاب فلسفه تاریخ هنر (*The Philosophy of Art History*) هاوزر منتشر شد که هدف از آن به گفته خودش مطرح کردن «پیش‌پنداشت‌های فلسفی مفهوم تاریخ هنر در نزد من» بود. هاوزر معتقد بود که در کتاب تاریخ اجتماعی هنر چنان‌که

باید و شاید به روش دیالکتیکی عمل نکرده بوده است. فلسفه تاریخ هنر نشان داد که هاوزر تا چه اندازه از استاد خود یعنی ماکس دورژاک تأثیر پذیرفته است. دورژاک از جمله مورخان هنری بود که تجدید نظری ژرف در تفسیر شیوه‌گزینی (*mannerism*) به عمل آورد، که سبکی در نقاشی سده شانزدهم میلادی بود و در سال‌های بین دوره رنسانس پیش‌رفته و دوره باروک پدید آمده بود. هاوزر، همچون دورژاک، شیوه‌گزینی را تجلی بحرانی در هنر و فرهنگ و مشابه بحران جامعه به‌طور کلی در آن دوره خاص می‌دانست. زیرا شیوه‌گزینی در دوره‌ای از تحولات اجتماعی و فرهنگی و همراه با ظهور جنبش اصلاح دینی پروتستان، جنبش ضد اصلاح دینی، جنگ‌های دهقانی، غارت شهر رم، از دست رفتن سیطره اقتصادی ایتالیا و برخی آشوب‌های مهم دیگر پدیدار گشت. علت اهمیتی که در این کتاب به شیوه‌گزینی می‌دهد آن است که آن را «آغاز راستین هنر مدرن» و آغازی می‌داند که نتیجه درک این واقعیت است که جهان به هیچ‌وجه آن‌چنان که استادان دوره رنسانس می‌پنداشتند «جهانی نظام‌مند، بامعنی و زیبا» نیست. در سال ۱۹۶۵ هاوزر کتاب دوجلدی شیوه‌گزینی بحران رنسانس و سرچشمه هنر مدرن (*Mannerism: The Crisis of The Renaissance and The Origin of Modern Art*) را انتشار داد و این موضوع را عمیقاً در آن بررسی کرد.

\* \* \*

هاوزر در کتاب جامعه‌شناسی هنر (۱۹۷۴، *The Sociology of Art*) عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در هنر را بررسی می‌کند. نظر او دایر بر این‌که هنر صرفاً بازتابی از جامعه نیست بلکه با آن اندرکنش دارد، با اقبال گسترده محققان مواجه شده است. علاوه بر این، او نهادها و بررسی‌کنندگان هنر در روزگار خویش را خدمتگذاران منافع اقتصادی به‌شمار می‌آورد.



دیدگاه هاووزر در این کتاب نیز دیدگاهی اروپامحور بود و در آن، همانند تاریخ اجتماعی هنر، از پرداختن به هنر غربی خودداری کرد. او برخلاف اغلب مارکسیست‌های هم‌روزگار خود بر این واقعیت تأکید می‌کرد که شکل‌ها و سبک‌های هنری با آن‌که خود تجلی یک جهان‌نگری هستند بازتاب مستقیم اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی نیستند. سبک، ابزاری خنثی نیست و کارکردی صریحاً اجتماعی ندارد بلکه می‌تواند تابع انواع هدف‌های سیاسی و اجتماعی باشد.

هاووزر اندکی پیش از مرگش در سال ۱۹۷۸ به بوداپست بازگشت و به عضویت افتخاری فرهنگستان علوم مجارستان برگزیده شد.

محمدتقی فرامرزی

تهران، زمستان ۱۳۸۷

#### منابع:

1. Kleinbauer, W.Eugene. *Research Guide to the History of Western Art. Sources of Information in the Humanities, No 2.* Chicago: American Library Association, 1982, pp. 136-154.
2. Kleinbauer, W.Eugene. *Modern Perspectives in Western Art History: An Anthology of Twentieth - Century Writings on the Visual Arts.* New York: Holt, Rinehart and Winston, 1971, pp. 77, 97.

## پیشگفتار

این کتاب درباره‌ی شناخت روش‌های تاریخ هنر و بررسی مسایل مربوط به تفکر تاریخی به رشته‌ی تحریر درآمده است؛ و پژوهشی است در خصوص آنچه تاریخ علمی هنر می‌تواند انجام دهد، درباره‌ی امکانات و محدودیت‌های آن. این کتاب حاوی اندیشه‌هایی فلسفی درباره‌ی تاریخ است، ولی اشاره‌ای به فلسفه‌ی تاریخ به معنای طرح نظری تاریخ جهان، یا منطق فرآیند تاریخی و حتی پیش‌گویی تاریخی ندارد؛ در اینجا کوششی برای استنباط فرآیند تاریخ از اندیشه‌ی والا یا گنجاندن همه‌ی رخدادهای گذشته و آینده در یک قالب واحد به عمل نمی‌آید. از این لحاظ، به اصول راهنمای من در نگارش کتاب تاریخ اجتماعی هنر (۱۹۵۱) وفادار است. لیکن، دیدگاه و شکل تشریح موضوع، از پایه با کتاب یاد شده متفاوت خواهد بود. در آن کتاب، روش توصیفی را برای خود برگزیدم و هدفم این بود که پیش‌پنداشت‌های نظری و قوانینی را که گمان می‌کردم کشف کرده‌ام به‌طور کامل تابع توصیف و تفسیر پدیده‌های تاریخی گردانم. در آنجا وظیفه‌ی برگزیدن و انتقاد کردن از مقوله‌هایی که مبنای ادامه‌ی تفسیر بودند به خواننده‌ی کتاب واگذار شده بود. عمداً از نوشتن پیشگفتاری به منظور